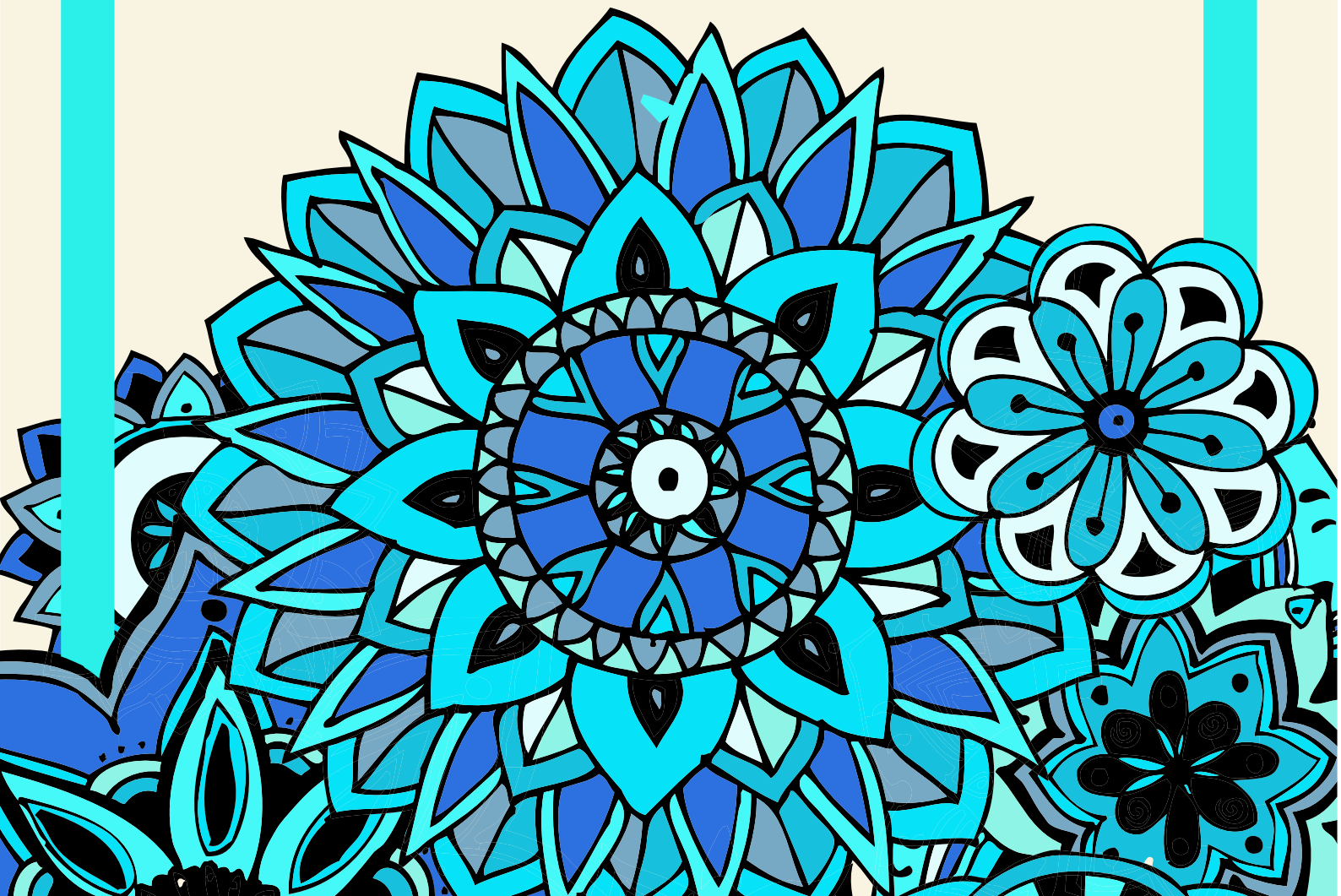


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# نقد مسیحیت

ارائه دهنده: جناب رافضی

بسمه الله الرحمن الرحيم

بخش اول زندگانی عیسی پیامبر الهی مسیحیت

ﷺ ﷺ ﷺ ﷺ ﷺ ﷺ ﷺ ﷺ ﷺ ﷺ

زندگانی مسیح بن مریم ﷺ

با سلام. مطالبی را که در پیش رو دارید بررسی اجمالی دین مسیحیت و مسائل پیرامون آن می‌باشد. که به طور کلی این بحث را در سه بخش (معرفی عیسی \_ اشکالات اناجیل \_ اشکالات مسیحیت) خدمت دوستان ارائه می‌کنیم.

بخش اول: زندگانی حضرت عیسی علیه السلام

ابتدا و انتهای زندگی عیسی علیه السلام

در متجاوز از دو هزار سال قبل، عیسی روح الله علیه السلام در فلسطین (بیت المقدس) از مادرش مریم بنت عمران به طریق اعجاز و خرق عادت متولد، و بعد از سی سال مبعوث به رسالت گردید و به مقام الوعزمی نائل شد و کتابی به نام انجیل از جانب حق تعالی در جامعه بنی اسرائیل برای تتمیم تورات و هدایت آنها آورد. بعد از سه سال از مبعوث شدنش جماعت یهود در صدد قتل آن حضرت بر آمدند. لذا آن حضرت با حواریون که دوازده نفر بودند به غاری پناه بردند تا اینکه جاسوسان آنها را دستگیر کرده تا فردای آن روز آنها را اعدام کنند. عقیده مسیحیت نسبت به سر انجام عیسی علیه السلام: در اناجیل موجود آمده است فردای آن روز جناب عیسی را به دار آویختند و با قساوت او را کشتند و سه روز بعد از دفن شدن به آسمان عروج نمود. مسیحیان می‌گویند: مقابل درب بیت المقدس صورت قبری وجود دارد که عیسای پیغمبر از آنجا به آسمان عروج کرد. عقیده اسلام نسبت به سر انجام عیسی علیه السلام: در قرآن مجید آمده است: و ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبّه لهم..... یعنی جناب عیسی نه کشته شد و نه به دار آویخته شد و لکن امر بر آنها مشتبه شد یعنی فرد دیگری را که شبیه عیسی بود به دار آویختند و کسانیکه در مورد به دار آویخته شدن عیسی حرف می‌زنند فقط از روی گمان حرف می‌زنند و علم به واقع امر ندارند. یقیناً عیسی کشته نشده بلکه او را خداوند به بالا برده است و خداوند عزیز و حکیم است (سوره مبارکه نساء آیه ۱۵۶)

### پدر و مادر عیسی علیه السلام

مادر عیسی زنی است به نام مریم بنت عمران که از زنان پاک روزگار بوده است. و همچنانکه گفته شد او بدون مقاربت با مردی، عیسی را به طور معجزه واری به دنیا آورده است. بنابراین عیسی علیه السلام دارای پدر نبوده است. اما متأسفانه در اناجیل فعلی گفته شده: عیسی دارای پدر بوده و اسامی‌ای را برای پدر ذکر کردند مثلاً:

1 عیسی پسر یوسف هالی بوده است <<< انجیل متی باب ۱ آیه ۱ تا ۱۹ و همچنین در انجیل لوقا باب ۲ آیه ۲۳ و باب ۴ آیه ۴۱.

2 عیسی پسر خدا بوده است <<< انجیل متی باب ۱۱ آیه ۲۵ و انجیل لوقا باب ۴ آیه ۴۱ و انجیل یوحنا باب ۱ آیه ۱۹

3 عیسی پسر روح القدس بوده است <<< انجیل متی باب ۱ آیه ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ به بعد.

**ملاحظه ۱:** اگر خوب دقت کنید در می‌باید که فقط در همین اناجیل ذکر شده، پارادوکس منطقی و جملات خود متناقض وجود دارد که خود دلیلی است بر اینکه به مطالبی که در اناجیل در مورد عیسی علیه السلام می‌باشد نمی‌توان به آن اعتماد کرد.

**ملاحظه ۲:** در قرآن مجید در آیه ۵۹ سوره مبارکه آل عمران آمده است: ان مثل عیسی عند الله کمثل آدم خلقه من تراب یعنی مثل عیسی ابن مریم بمانند آدم علیه السلام است چرا که خداوند آدم را از خاک آفرید (یعنی مثل عیسی بدون پدر).

این آیه با یک استدلال کوتاه به ادعاهای مسیحیان نجران درباره الوهیت مسیح پاسخ می‌گوید: اگر عیسی بدون پدر به دنیا آمد هیچگاه دلیل بر آن نمی‌شود که او فرزند خدا و یا عین خدا باشد زیرا این موضوع به شکل عجیب‌تری درباره آدم تحقق یافت چرا که او نه پدر داشت و نه مادر بلکه او را خدا مستقیماً از خاک آفرید.

### عیسی از دیدگاه اناجیل موجوده

آیا عیسی واقعا خدا است؟: در اناجیل موجوده در بعضی از موارد عیسی را پسر خدا میدانند که اینک در بالا ذکر کردیم و در بعضی از موارد عیسی را عین خدا می‌دانند. مسیحیان علت خدا دانستن عیسی را زنده کردن مردگان می‌دانند و می‌گویند: چون زنده کردن مردگان را فقط خدا می‌تواند انجام دهد پس عیسی خدا است.

**ملاحظه ۱:** زنده کردن مردگان برای خیلی از پیغمبران در کتب یهودیت و مسیحیت نقل شده است مثلاً در کتاب دومین ملوک باب ۴ آیه ۳۲ حکایت از زنده کردن مردگان از ناحیه الیوشع دارد پس چرا او خدا نیست؟! اتفاقاً جالب است بدانید که در مناظرات حضرت رضا علیه السلام آمده است که وقتی حضرت به آن عالم مسیحی اعتراض کردند که چرا عیسی را خدا قرار می‌دهید؟؟؟ او در جواب عرض کرد: چون او مردگان را زنده می‌کرد و این نیست جز کار خدا. حضرت به او فرمودند: مگر در کتاب انجیل شما نیامده که فلان پیغمبر و فلان پیغمبر مرده را زنده می‌کردند؟ عرض کرد: آری. حضرت فرمود: پس چرا آنها را خدا

نمی‌دانید؟؟؟ اینجا بود که آن عالم مسیحی ساکت شد.

**ملاحظه ۲:** در آیه ۱۷۱ سوره مبارکه نساء آمده است: یا اهل الکتاب لا تغلوا فی دینکم..... یعنی ای اهل کتاب (مسیحیت) در دین خود غلو نکنید و در باره خدا غیر حق مگوئید. عیسی ابن مریم فقط فرستاده خدا و مخلوق اوست که او را به مریم القاء نمود و روحی از طرف او بود بنابراین ایمان به خدا و پیامبران او بیایرید و نگوئید خداوند سه تا است و از این سخن پرهیز کنید که به سود شما نیست. همانطور که ملاحظه می‌کنید عیسی علیه السلام در بیت المقدس متولد شد. از نظر مسیحیون جناب عیسی پسر خدا هست پسر هالی هست پسر روح القدس هست. بینشون اختلافه. مادر عیسی زنی پاکدامن در آن زمان بود که هیچ مرد او را لمس یا نگاه نکرد. از نظر قران اسلام و قران عیسی پدر ندارد اما پدرش هم خدا نیست. آیا عیسی خداوند است یا پسر خداوند و یا.....؟ در اناجیل موجوده عیسای پیغمبر را به صفات مختلف متصف کردند که از نظر شما خواننده محترم می‌گذرد {البته از قبل از طرف نویسندگان اناجیل از شما به خاطر بعضی از صفات عذر خواهی می‌کنیم}....

- 1 مسیح (به معنای نجات دهنده) انجیل لوقا باب ۲ آیه ۱۱
- 2 خدا: انجیل یوحنا باب ۱ آیه ۱
- 3 پسر خدا: انجیل متی باب ۳ آیه ۱۷
- 4 پسر انسان: مرقس باب ۱۴ آیه ۶۲
- 5 برّه خدا: انجیل یوحنا باب ۱ آیه ۲۹ و ۳۰
- 6 مار بزرگ: یوحنا باب ۳ آیه ۱۴
- 7 شبان نیکوکار: یوحنا باب ۱۰ آیه ۱۱
- 8 پادشاه پادشاهان: مکاشفات یوحنا باب ۱۷ آیه ۱۴

نتیجه بخش اول: اناجیل موجوده آنقدر دارای تناقض هستند که مخاطبین نمی‌توانند عیسی را بدرستی بشناسند زیرا در جایی او را خدا خوانده‌اند و در جای دیگر او را پسر خدا و در بعضی از موارد او را پسر انسان معرفی می‌کنند و در بعضی از موارد او را متصف به صفات رذیله کردند. این اختلاف آراء باعث می‌شود تا مخاطبین اناجیل فعلی نتوانند عیسی را بشناسند. اما از دیدگاه ما مسلمانان عیسی نه خدا است و نه پسر خدا بلکه بنده‌از بندگان خدا بوده که به مقام نبوت و اولوالعزمی رسید چرا که خداوند متعال در آیه ۳۴ سوره مبارکه مریم میفرماید: وقتی عیسی به دنیا آمد در همان کودکی لب به سخن گشود و در مورد خود گفت: انی عبد الله اتانی الکتاب و جعلنی نبیا یعنی من بنده خدا هستم و مرا نبی و پیغمبر از طرف خود قرار داده است.

### بخش دوم: اشکالات اناجیل

**مقدمه:** در اینکه حضرت موسی و عیسی علیهما السلام دارای کتاب بودند شکی نیست و هیچ اختلافی در میان ادیان وجود ندارد. در آیات قرآن از یهودیت و مسیحیت تعبیر به اهل الکتاب شده واز خود این کتب تعبیر به نور و هدایت شده است..... انزل الکتاب الذی جاء به موسی نورا و هدی / انعام ۹۱. اختلاف در آنجاست که آیا این کتب موجوده که به اسم تورات و انجیل در دست ماست آیا این کتب همان تورات و انجیل واقعی هستند یا خیر؟ تصریح آیات قرآن آن است که این کتب تحریف شدند و دیگر قابل اعتناء نیستند. در آیه ۹۱ سوره مبارکه انعام خطاب به اهل کتاب می‌فرماید: تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا یعنی شما اهل کتاب، کتاب واقعی پیغمبرتان را در چند ورق از کاغذ خلاصه کردید و بسیاری از مطالب آن را پنهان کردید. این بود بیان قران و عقیده مسلمانان. اما اهل کتاب یعنی یهودیت و مسیحیت این مطلب را رد کرده و قائل به آن هستند که کتب فعلی همان کتب حقیقی هستند که بر پیغمبران نازل شده است. چون بحث ما پیرامون مسیحیت است برآن شدیم تا از اناجیل موجوده سخن به میان آوریم و صحت این اناجیل را در ۲ بخش کلی و جزئی مورد بررسی قرار دهیم.

**قسمت اول:** تحقیق کلی فحول علمای مسیحیت در مورد اناجیل موجوده:

اولا: کشیش‌های مسیحیت از قبیل (جبروم) و (ارحن) مفسرین معروف مسیحی گفته‌اند: انجیل در زمان عیسی نبوده بلکه سال‌ها بعد از مسیح به طریق الهام بر حواریین تصنیف شده. و کنت تولستوی روسی در مقدمه کتاب خود با نام انجیل تولستوی می‌گوید: این اناجیل هرگز به طریق وحی روح القدس بر نویسندگان آنها نازل نشده است چنانچه کشیش‌ها در میان مردم نشر داده‌اند.

ثانیا: هورن مفسر مسیحی در کتاب تفسیر خودش در باب ۲ از قسم ۲ از مجلد چهارم چاپ سال ۱۸۲۲ میلادی می‌گوید: زمان نوشته شدن اناجیل مشخص نیست و کلماتی که از قدمای مورخین مسیحیت نقل شده همه ابتر و مقطوع السند است.

ثالثا: تولستوی در مقدمه کتاب تفسیر خود می‌گوید: اناجیل موجوده در زمان ما اتصالی به عیسی ندارد.

نتیجه قسمت اول: از کلمات علمای مسیحیت فهمیده می‌شود که خود آنها معتقدند که هیچ کدام از اناجیل موجوده در دوران عیسی نبوده است و همه آنها ساخته دست دیگران بوده و فقط ارزش تاریخی دارد. با همه این اوصاف ما در بخش دوم به یکا یک اناجیل معتبره در نزد مسیحیان اشاره کرده و نقد می‌کنیم.



### قسمت دوم: بررسی اناجیل موجوده به صورت جزئی

**انجیل متی:** مسیحیان معتقدند که متی یکی از یاران عیسی علیه السلام بود و انجیلی را که او جمع‌آوری کرده معروف به انجیل متی است.

نقد ۱: مسیحیان تا به الان دلیل قاطعی ارائه نکردند که انجیل متی همان انجیلی است که بر عیسی نازل شده است زیرا می‌گویند انجیل متی به زبان عبری بوده و بعد ترجمه شده است و باز خودشان می‌گویند: نسخه عبرانی در دست نیست و حتی نام مترجم انجیل متی عبرانی را نمی‌دانند و لذا برای اینکه سندی برای او درست کنند می‌گویند: نسخه اصلی به زبان یونانی بوده است !!! این توجیه مسیحیت در حالی است که علمای بزرگ مسیحیت بمانند «هورن» «یوسی» «بیس جیرم» «پی پیس» «ارینوس» «پی فلس» همگی عقیده دارند که انجیل متی عبرانی بوده است. { لازم بذکر است که هورن نام ۲۴ نفر از علمای مسیحیت را میبرد که در این مورد با او هم عقیده‌اند }

نقد ۲: بطلان انجیل متی از خود آیات این انجیل: در باب ۹ آیه ۹ ص ۱۳ چنین آمده: چون عیسی از آنجا می‌گذشت مردی را مسمی به متی به باج گاه دید و به او گفت: مرا متابعت کن. متی نیز به دنبال او روانه شد. در آیه دوازده همین باب می‌گوید: فریسیان به حواریون گفت: چرا استاد شما (یعنی حضرت عیسی) با آن مرد گناهکار و گمرگچی (یعنی متی) غذا می‌خورد؟؟؟

نقد ۳: تولستوی در جلد چهارم تفسیر خود می‌گوید: احتمالات در مورد انجیل متی: تالیف سال‌های ۳۸\_۴۳\_۴۸\_۶۱\_۶۲\_۶۳\_۶۴ بعد از میلاد است. بنابراین، این کتاب نمی‌تواند خطابات الهی با عیسی علیه السلام باشد بلکه بعد از او بدست کس دیگری تالیف شده است.

خلاصه: تا به حال مسیحیت نتوانسته‌اند ثابت کنند که انجیل متی همان انجیل نازل شده بر عیسی است بلکه تاریخ تصنیف آن نشان از آن دارد که این انجیل بعد از عیسی نوشته شده است و خود این انجیل هم نشان از آن دارد که انجیل متی نوشته فردی گناهکار بوده که نمیتوان به گفته او اطمینان حاصل کرد !!!

### انجیل لوقا

در مورد شخص لوقا که جمع‌کننده انجیل لوقا است، اختلاف شدیدی در میان مسیحیان وجود دارد. فقط تنها اتفاقی که در مورد او کرده‌اند این است که او حتی از حواریون یا شاگرد حواریون هم نبوده است. گفته‌اند او از شاگردان پولس بوده است.

نقد ۱: تاریخ تصنیف این انجیل را بین سال‌های ۵۳ و ۶۴ بعد از میلاد ذکر کرده‌اند. بنابراین یقیناً این انجیل، انجیل نازل شده بر عیسی علیه السلام نخواهد بود چرا که بعد از رفتن مسیح از میان مردم، نوشته شده است.

نقد ۲: بر فرض که لوقا از یکی از حواریون و یا شاگرد حواریون باشد می‌گوییم: در خود اناجیل موجوده شاگردان حضرت عیسی علیه السلام گناهکار و سست ایمان معرفی شده‌اند و طبیعی است که افرادی که در حفظ ایمان ناتوان باشند نمیتوانند حافظ وحی الهی باشند.

از باب مثال: انجیل متی باب ۱۶ آیه ۸ می‌گوید: عیسی علیه السلام به یاران خود گفت: ای سست ایمانان چرا در خود تفکر نمی‌کنید.

نقد ۳: در انجیل لوقا مطالبی وجود دارد که نه با عقل جور در می‌آید و نه تاریخ آن را تأیید می‌کند. از باب مثال به نمونه ذیل توجه کنید در انجیل لوقا باب ۲۰ آیه ۴۱ می‌گوید: داوود در کتاب زبور گفته است: خداوند (یعنی عیسی) به من گفت.....

با این بیان انجیل لوقا در صدد آنست که بگوید داوود هم، خدا بودن عیسی را تأیید کرده در حالیکه از نظر تاریخ جناب داوود علیه السلام سالها قبل از حضرت عیسی علیه السلام در دنیا بوده است.

خلاصه: یقیناً انجیل لوقا همان انجیل واقعی نیست و شاهد بر این مطلب، هم زمان تالیف آن است و هم محتوای این انجیل است که نه با عقل جور در می‌آید و نه تاریخ آن را تأیید میکند.

### انجیل مرقس

در مورد او گفته‌اند که از خادمان یکی از حواریون بوده و در دوران عیسی حتی به ملاقات حضرت عیسی هم نائل نگشته است. اکثر علمای مسیحی عقیده دارند که انجیل مرقس از نوشته‌های پطرس می‌باشد.

نقد ۱: تولستوی معروف روسی در مورد انجیل مرقس مینویسد: این انجیل ما بین سال‌های ۵۶ تا ۶۵ بعد از میلاد نوشته شده است. بنابراین بعد از حیات دنیوی حضرت عیسی این انجیل به نگارش در آمده است.

نقد ۲: نقل مطالبی که مخالف عقل است نشان از آن دارد که این انجیل هم بمانند انجیل لوقا فاقد ارزش است. برای یک نمونه به این ادرس مراجعه کنید <<< انجیل مرقس باب ۳۶ آیه ۱۲

خلاصه: اولاً اینکه این انجیل نوشته کیست دقیق معین نبوده و خود علمای مسیحیت در مورد آن اختلاف کرده‌اند و بر فرض که خود مرقس نوشته باشد باید گفت: این انجیل نوشته فردی است که حتی حضرت عیسی را از نزدیک هم ندیده است ثانیاً اینکه تاریخ و محتوای این انجیل نشان از بی اعتبار بودن این انجیل دارد.

### انجیل یوحنا

انجیل یوحنا در میان اناجیل چهار گانه مسیحیت، آخرین انجیلی بود که نوشته شده است چرا که تاریخ نوشته شدن این انجیل را سال‌های ۶۸ تا ۹۵ بعد از میلاد

ذکر کرده‌اند. و گفته اند: این انجیل را طالبی از طلاب مدرسه اسکندریه نوشته است.

نقد ۱: این انجیل سخت مورد انکار خود اهل کتاب است و خودشان آن را قبول ندارند.

نقد ۲: مطالبی که در انجیل یوحنا موجود است نشان از بطلان این انجیل دارد مثلاً صفاتی که به حضرت عیسی علیه السلام در این انجیل نسبت داده شده است و شما در بخش اول با دو مورد آن آشنا شدید.

خلاصه: زمان نگارش این انجیل و مورد انکار واقع شدن این انجیل از طرف خود علمای مسیحیت و همچنین مطالب نامربوطی که در این انجیل به حضرت عیسی نسبت داده شده، نشان از آن دارد که این انجیل هم بمانند اناجیل دیگر دست ساخته دیگران بوده و فاقد اعتبار می‌باشد.

### نکات قابل ملاحظه

نکته ۱ شما خود قضاوت کنید که آیا می‌شود به این اناجیل اطمینان کرد در حالیکه خود این اناجیل شاهد بر بطلان خود به انحاء مختلف هستند. و جالب است بدانید که مسیحیت برای تبلیغ مرام خود همین کتب را به متجاوز از هزار و سیصد زبان ترجمه و جزوات آن را به اطراف و اکناف فرستاده‌اند و دوست دارند که جهانیان مرام آنها را قبول کرده و هم مسلک آنها شوند !!!

نکته ۲: لازم بذکر است که به طور کلی اناجیل هفتاد و چهار نوع بوده که توسط علمای مسیحیت یک به یک از دور خارج شده و تنها ۴ انجیل معتبر مذکوره را مورد تأیید قرار دادند که بطلان آنها را ثابت کردیم. البته بعضی‌ها اناجیل تصنیف شده را تا ۱۶۰ مورد و بعضی‌ها تا ۴۰۰ انجیل ذکر کرده اند.

نکته ۳: یک از اناجیلی که توسط علمای مسیحیت از دور خارج شد انجیل برنابا می‌باشد که مطالب آن به مطالبی که در قرآن وجود دارد، شباهت زیادی دارد. لازم بذکر است که برنابا یکی از شاگردان حضرت عیسی علیه السلام می‌باشد که آنحضرت به او علاقه داشتند. حال چطور شده که انجیلی مثل انجیل یوحنا با اینکه ۹۰ سال پس از وجود حضرت عیسی علیه السلام نوشته شده مورد اعتبار واقع شده ولی انجیلی مثل انجیل برنابا که توسط یکی از شاگردان حضرت عیسی نوشته شده باید از دور خارج شود. واقعا جای بسی تعجب است.

نکته ۴: عده‌ای از مسیحیت رو به عهد جدید آورده و میگویند ما فقط این کتاب را قبول داریم. باید در قبال این حرف آنها بگوئیم: وقتی ما کتب چهار گانه شما را باطل کردیم و ثابت کردیم که آنها به هیچ وجه نمیتواند خطابات الهی با عیسی علیه السلام باشد به طریق اولی عهد جدید نمیتواند خطابات الهی باشد. بنابراین استناد به عهد جدید نیز بی فائده و باطل خواهد بود

خلاصه بخش دوم:

اناجیل موجوده از دیدگاه علمای مسیحیت فقط اعتبار تاریخی دارد. اعتبار تاریخی داشتن یک کتاب به منزله خبر واحد به حساب آمده و نمیتواند اثبات کننده مطلب مهمی مثل کتاب الهی باشد. یعنی به صرف اینکه ثابت شد این کتب جنبه تاریخی دارد نمیتوانیم ادعا کنیم که محتوای این کتب همان مطالبی است که از ناحیه خداوند بر عیسی نازل شده است. بنابراین مسیحیت در حال حاضر فاقد کتابی است که از ناحیه خداوند بر پیغمبرشان نازل شده باشد.

### بخش سوم: اشکالات مسیحیت

اشکال اول: مسیحیان طبق آیه ۱۷ باب ۵ انجیل متی باید از تورات تبعیت کنند چرا که در آنجا آمده است :

عیسی فرمود: گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل نمایم بلکه آمده ام تمام کنم زیرا هر آینه به شما میگویم تا آسمان و زمین زائل نشود، همزه یا نقطه‌ای از تورات زائل نخواهد شد تا همه تورات واقع شود. این آیه از انجیل متی ثابت میکند که عیسی علیه السلام تمام کننده تورات بوده و باید مسیحیان هم به تمام آیات آن عمل کنند. بنا بر این، دو اشکال به مسیحیان وارد است که به آنها می‌گوئیم: چرا گوشت خوک می‌خورید؟؟؟ در تورات در آیه ۷ باب ۱۱ سفر لاویان مگر گوشت خوک را نوعی سم معرفی نکرده و سخن از نجاست آن به میان نیاورده است؟؟ پس چرا گوشت خوک می‌خورید؟ چرا شراب می‌خورید؟؟؟ در حقوق باب ۲ آیه ۵ مگر شراب را فریبنده معرفی نکرده و استعمال آن را باعث خرابی آرامش و ایجاد غرور در آدمی معرفی نکرده است؟؟ پس چرا شراب می‌خورید؟

اشکال دوم: مسیحیت معتقدند که حضرت آدم علیه السلام بجهت نافرمانی‌ای که در بهشت داشته، گناهکار به حساب آمده و این گناه به فرزندان او نیز سرایت کرده است و همه فرزندان آدم گناهکار به حساب می‌آمدند تا اینکه حضرت عیسی علیه السلام به دار آویخته شد و این عمل باعث بخشیده شدن آدم و فرزندان او شد. در حقیقت کشته شدن عیسی کفاره گناهان آدم و فرزندان او بحساب می‌آید اشکال اینستکه :

اولاً چطور می‌شود که مسیحیت به این نوع مطالب عقیده داشته باشند در حالیکه قائل به این هستند که حضرت ابراهیم و موسی که از فرزندان حضرت آدم هستند، پیغمبران خدا می‌باشند. مگر می‌شود پیغمبر خدا هم گناه کار باشد؟؟؟

ثانیاً: در همان توراتی که حضرت عیسی علیه السلام پیروی از دستورات آن را لازم دانسته است آمده که: آن که بر دار آویخته شود ملعون خداست. سفر تثئیه، باب ۲۱، آیات ۲۲ و ۲۳

براستی آیا مسیحیت به ملعون بودن کسی که گاهی او را خدا و گاهی هم پسر خدا خواندند عقیده مندند؟؟؟ اگر واقعا ملعون است، ملعون چه کسی است؟؟؟ معاذ الله

ثالثا: از کجا فهمیدید که گناه پدر اول یعنی حضرت آدم موروثی است و گناهان دیگر پدران موروثی نیست؟؟؟ اصلا آیا این مساله با اناجیل ۷۴ تا بودند که همش بعد پیامبر مسیحیت آمد و الان شده ۴ تا اما قرآن یکسیت و همه قبول دارند همه مسیلمین هیچ اختلافی بینش نیست. مربوطی که در این انجیل به حضرت عیسی نسبت داده شده، نشان از آن دارد که این انجیل هم بمانند اناجیل دیگر دست ساخته دیگران بوده و فاقد اعتبار می‌باشد.

### نکات قابل ملاحظه

نکته ۱: شما خود قضاوت کنید که آیا می‌شود به این اناجیل اطمینان کرد در حالیکه خود این اناجیل شاهد بر بطلان خود به انحاء مختلف هستند. و جالب است بدانید که مسیحیت برای تبلیغ مرام خود همین کتب را به متجاوز از هزار و سیصد زبان ترجمه و جزوات آن را به اطراف و اکناف فرستاده‌اند و دوست دارند که جهانیان مرام آنها را قبول کرده و هم مسلک آنها شوند!!!

نکته ۲: لازم بذکر است که به طور کلی اناجیل هفتاد و چهار نوع بوده که توسط علمای مسیحیت یک به یک از دور خارج شده و تنها ۴ انجیل معتبر مذکوره را مورد تأیید قرار دادند که بطلان آنها را ثابت کردیم. البته بعضی‌ها اناجیل تصنیف شده را تا ۱۶۰ مورد و بعضی‌ها تا ۴۰۰ انجیل ذکر کرده‌اند.

نکته ۳: یک از اناجیلی که توسط علمای مسیحیت از دور خارج شد انجیل برنابا می‌باشد که مطالب آن به مطالبی که در قرآن وجود دارد، شباهت زیادی دارد. لازم بذکر است که برنابا یکی از شاگردان حضرت عیسی علیه السلام می‌باشد که آنحضرت به او علاقه داشتند.

حال چطور شده که انجیلی مثل انجیل یوحنا با اینکه ۹۰ سال پس از وجود حضرت عیسی علیه السلام نوشته شده مورد اعتبار واقع شده ولی انجیلی مثل انجیل برنابا که توسط یکی از شاگردان حضرت عیسی نوشته شده باید از دور خارج شود. واقعا جای بسی تعجب است.

نکته ۴: عده‌ای از مسیحیت رو به عهد جدید آورده و میگویند ما فقط این کتاب را قبول داریم. باید در قبال این حرف آنها بگوئیم: وقتی ما کتب چهار گانه شما را باطل کردیم و ثابت کردیم که آنها به هیچ وجه نمیتواند خطابات الهی با عیسی علیه السلام باشد به طریق اولی عهد جدید نمیتواند خطابات الهی باشد. بنابراین استناد به عهد جدید نیز بی فائده و باطل خواهد بود

خلاصه بخش دوم :

اناجیل موجوده از دیدگاه علمای مسیحیت فقط اعتبار تاریخی دارد. اعتبار تاریخی داشتن یک کتاب به منزله خبر واحد به حساب آمده و نمیتواند اثبات کننده مطلب مهمی مثل کتاب الهی باشد. یعنی به صرف اینکه ثابت شد این کتب جنبه تاریخی دارد نمیتوانیم ادعا کنیم که محتوای این کتب همان مطالبی است که از ناحیه خداوند بر عیسی نازل شده است. بنابراین مسیحیت در حال حاضر فاقد کتابی است که از ناحیه خداوند بر پیغمبرشان نازل شده باشد.

اشکال سوم :

در اناجیل مختلفه مخاطبان آنها به زندگی ذلیلانه دعوت میشوند. ما از باب مثال به دو نمونه اشاره میکنیم.

اول: انجیل لوقا فصل ۶ ایه ۲۹ و ۳۰ و همچنین صفحه نود و نه عهد جدید می‌گوید: هر که بر رخسار تو زند، آنطرف دیگر را نیز به سوی او بگردان یعنی بگذار تا طرف دیگر را نیز بزند و هر که مال تو را گیرد از وی باز مخواه

دوم: انجیل متی فصل ۵ ایه ۳۸ تا ۴۲ و همچنین عهد جدید ص ۷ می‌گوید: لکن من به شما میگویم با شریر مقاومت نکنید و اگر کسی خواست با تو دعوا کند و قیای تو را بگیرد، عیای خود را نیز بدو واگذار و هر گاه کسی تو را بر یک میل مجبور سازد، دو میل همراه او برو

این مطالب در اناجیل تحریف شده جاسازی شده تا همه را به نوعی ذلیل کرده و خودشان یعنی محرفین اناجیل و تابعین آنها بتوانند براحتی همه را ذلیل دست خود کنند. در این امر بر هر کسی که غلبه کنند، یقینا از ذلیل کردن مسلمانان عاجز خواهند بود چرا که قرآن آنها و همچنین مکتبی که آنها دارند یعنی مکتب

حسینی هرگز چنین اجازه‌ای را به آنها نخواهد داد. ناپلئون بناپارت وقتی برای تحقیق به مصر رفت چند آیه از قرآن را خواند، گفت: تا وقتی که این کتاب در میان مسلمانان باشد و مسلمانان به آن توجه کنند هرگز تن به ذلت نخواهند داد. هیهات منّا الذلّة

اشکال چهارم

مسیحیان معتقدند که از ازل الوهیت از سه شخص تشکیل شده که عبارتند از پدر و پسر و روح القدس و این سه یکی هستند که تثلیث می‌نامند. اشکال در اینست که اگر خدا یکی است پس سه تا بودن به چه معناست و اگر سه تا است یکی بودن چه مفهومی دارد؟؟؟ این عقیده مسیحیت نیز دارای نقض منطقی است یعنی آنها

معتقدند خدا هم یکی است و هم یکی نیست. و خدا هم سه تا هست و هم سه تا نیست. لازم بذکر است که بعضی از پروتستانها وجود بحث تثلیث در کتاب‌هایشان را منکر شده‌اند و گفته‌اند ما همچین چیزی در انجیل نداریم. ولی ما ادرس مواردی که بحث تثلیث را مطرح کرده را ذکر میکنیم.

نمونه اول: یوحنا باب ۱ ایه ۱ تا ۳

نمونه دوم: رساله یوحنا باب ۵ ایه ۷

نمونه سوم: رساله پولس رسول به کورسیان باب ۱ ایه ۱۶ و ۱۷

اشکال پنجم

یکی از عقائدی که در میان مسیحیان وجود دارد غسل تعمید است. اثر این غسل آنستکه فردی که غسل داده شد از گناه پاک میشود. اینکه غسل تعمید برای چه کسانیست میان مسیحیان اختلاف است عده‌ای می‌گویند: این غسل برای همه افراد است. عده‌ای می‌گویند: فقط برای بزرگترها است و آن کسانی که تازه به دین مسیح وارد میشوند و..... و..... به هر حال فرد گنهکار را میان ظرف بزرگی که پر از آب است می‌گذارند و سپس کشیش در حضور جمع، فرد را مورد خطاب قرار میدهد و می‌گوید: بدان که مسیحیت عبارت است از اینکه معتقد باشید به اینکه الوهیت مرکب است از سه اصل ازلی پدر و پسر و روح القدس. پس عیسی خدا و پسر خداست و در رحم مادرش مریم به صورت بشر در آمده است. او از جوهر پدرش خداست و از جوهر مادرش انسان است و..... و..... خلاصه..... بعد از این جملات فرد مزبور باید بگوید بلی و بعد از آن کشیش از آن آب میگیرد و بر روی او میریزد و می‌گوید: تو را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید میدهم. در اینجا است که آن فرد از گناهان پاک می‌شود!!! (چه راحت).

نقد: آیا برآستی به همین راحتی تمام گناهان فرد پاک می‌شود؟؟؟ چه نیازی به اینکه فردی که خودش گناهکار است یعنی همان کشیشها بخواهند واسطه قبول توبه باشند؟؟؟ چه نیازی است که جمعی شاهد باشند و آبروی آن فرد به نزد دیگران به حراج گذاشته شود؟؟؟

در دین مبین اسلام توبه یعنی پشیمانی از گناه و عزم بر ترک آن گناه و اگر این امر واقعا در فرد ایجاد شد دیگر هیچ نیازی به این تشریفات خرافی نیست و فرد خود را پاک میسازد و بعد با انجام واجبات و ترک محرمات راه کمال به سوی حقیقت اناجیل (انجیلها) بعد از حضرت عیسی ع اومد پس احتمال تحریفش هست و همه میدونیم این اناجیل اونی که عیسی خواست نیست فقط انجیل متی کمی معتبر است که از حواریون بوده است. مسیحیون عقیدشون اینه چون که عیسی خونش ریخت و به صلیب آویخته شده است کفار تمام گناهان بما است، تا روز قیامت در حالی که نه عیسی ع به صلیب آویخته شده از نه خونی ریخته شده و نه میشه خون کسی کفار گناهان همه بشر تا روز قیامت باشه پس در این صورت بهشت و جهنم سرکاربه دیگه مسیحیون میگند خدا یگانه است اما ۳ تا خداست ولی خدا یگانه است که اصلا با منطق جور در نیامد

هفت آیین مسیحیت

هفت آیین مقدس:

به عقیده مسیحیان، مسیح که از مردگان برخاست، در جامعه مسیحی زیست می‌کند و همراه آن است. همچنین وی پیوسته همان کارهایی را انجام می‌دهد که در طول حیات خود در فلسطین انجام میداد؛ مانند: تعلیم، دعا، خدمت، شفا دادن بیمار، غذا دادن به گرسنگان، عفو بدکاران و تحمل رنج و مرگ. کارهای غیر آشکار مسیح در زندگی کلیسایی به وسیله آیینها آشکار می‌شود؛ به دیگر سخن، هنگامی که یک مسیحی در مراسم مربوط به یکی از آیینها شرکت می‌کند، ایمان دارد که با این عمل به ملاقات مسیح که از مرگ برخاسته و فیض خدای نجات بخش را به وی بخشیده است، میرود. تقریباً همه مسیحیان اتفاق نظر دارند که دو آیین اصلی عبارتند از تعمید و عشای ربانی. مسیحیان کاتولیک و ارتدوکس پنج آیین دیگر بر اینها می‌افزایند و مجموع آیینها را به هفت می‌رسانند. فرقه‌های پروتستان در تعداد آیینها اختلاف دارند، ولی اکثریت قاطع آنان دو آیین اول یعنی تعمید و عشای ربانی را قبول دارند. برخی کلیساهای پروتستان، مانند کویکرها و سپاه نجات هیچ یک از آیینها را نمی‌پذیرند.

### ۱. تعمید

نخستین و اصلی ترین آیین که برای همه ضرورت دارد، تعمید است. انسان با تعمید به جامعه مسیحیت وارد می‌شود و رسالت دائمی کلیسا را بر عهده می‌گیرد. این رسالت عبارت است از گواهی دادن به کارهای نجات بخش خدا به وسیله عیسی. به عقیده هر مسیحی، تعمید وسیله‌ای است که خدا با آن همه آثار زندگی و مرگ عیسی را عطا می‌کند. هر مسیحی فقط یک بار، هنگام ورود به جامعه مسیحیت، تعمید می‌پذیرد.

تعمید اصولاً با گونه‌ای از شستشو انجام می‌گیرد. در برخی کلیساهای رسم است که با ریختن آب بر سر شخص، وی را تعمید می‌دهند. در بعضی کلیساهای دیگر رسم است که شخص برای تعمید به زیر آب می‌رود و بیرون می‌آید. کلیساهایی نیز تعمید شونده را به آبهای طبیعت، مانند نهرها و دریاچه ها، می‌برند. هنگام تعمید، کشیش این عبارت را که از آخر انجیل متی اقتباس شده است، می‌خواند: ((تو را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید می‌دهم.)) برخی کلیساهای پروتستان تنها به نام عیسی تعمید می‌دهند.

عید پاک مهمترین جشن دینی مسیحیان است که به مناسبت پیروزی حضرت عیسی مسیح (ع) بر مرگ و برخاستن وی از مردگان، در سومین روز تسلیم وی نزد مسیحیان برگزار می‌شود.

واژه فرانسوی ((پاک)) Paques همان کلمه عبری ((پسح)) است که از طریق یونانی و لاتینی به فرانسوی رفته و به مرور زمان به این شکل در آمده است. به گفته انجیلها، به صلیب رفتن و رستاخیز حضرت عیسی (ع) در ایام عید فصح یهود بوده است.

عید پاک نخستین یکشنبه پس از نخستین بدر شدن ماه پس از اعتدال ربیعی است و روی این حساب، وقوع آن از ۲ فروردین تا ۵ اردیبهشت (۲۲ مارس تا ۲۵



آوریل) امکان دارد. عید فصح یهود (یاد بود نجات بنی اسرائیل از دست فرعونیان) که در طی یک هفته از ۱۶ تا ۲۱ (و در خارج فلسطین تا ۲۲) نisan عبری برگزار می‌شود، در برخی از سال‌ها با عید پاک مسیحیان مصادف می‌شود.

برخی از مراسم مسیحیان در عید پاک عبارت است از: شب زنده‌داری، تلاوت کتب مقدسه، مناجات و دعا، برگزاری مراسم عشای ربانی، جستجوی نمایشی جسد عیسی (ع) و اعلام رستاخیز وی، جشن و چراغانی، اهدای تخم‌مرغ رنگین و...

قبل و بعد از عید پاک نیز مراسم عبادی مفصلی دارند که برای آشنایی با گوشه‌ای از آنها باید در زمان مناسب به برخی کشورهای مسیحی مانند ایتالیا مسافرت کرد و از نزدیک آنها را دید؛ وگرنه که از این مراسم در کتاب‌ها داده می‌شود و حتی فیلم‌های آن به شدت غلط انداز است. به هر حال مراسم عید پاک به مراتب از جشن‌های کریسمس و اول ژانویه دینی‌تر است و جنبه عبادی بیشتری دارد و به ترتیب زیر انجام می‌شود:

**۱** هنگام غروب پنجشنبه، یاد بود شام آخر عیسی برگزار می‌شود؛

**۲** حدود ظهر جمعه، مسیحیان خاطره مرگ عیسی بر صلیب را گرامی می‌دارند؛

**۳** بین غرب شنبه و صبح یکشنبه، به مناسب رستاخیز عیسی و بازگشت به زندگی تازه جشن عید پاک بر پا می‌شود.

مهم‌ترین این یادبودها جشن عید پاک است که قبلاً در غروب شنبه آغاز می‌شد و در شب ادامه می‌یافت و خاتمه آن هنگام سپیده دم یکشنبه بود که به گفته اناجیل، زمان برخاستن مسیح از مردگان بوده است. این در عصر ما مختصر شده و فقط دو تا چهار ساعت طول می‌کشد. در این مراسم، تازه مسیحیان پیوستن خود به جامعه مسیحیت را اعلام می‌کنند و تعمیم می‌گیرند. اعضای قدیمی نیز ایمان خود را، با تعهد به زندگی مسیحی راستین، تجدید می‌کنند.

## ۲- تایید (یا تثبیت ایمان)

نیمه دوم از سلوک و پیشرفت در زندگی مسیحی تایید نامیده می‌شود، که آیین دوم از آیین‌های هفتگانه است. در نیمه اول (یعنی تعمیم) بر نجات از گناه تاکید می‌شود و طی آن، خدا با فرد گناهکار آشتی می‌کند و وی را به زندگی بر اساس ایمان و اطاعت فرا می‌خواند. ولی در نیمه دوم (یعنی تایید) بر جنبه مثبت ادای شهادت به آنچه خدا به وسیله‌ای عیسی برای بشریت محقق ساخته است و نیز بر کمک خواستن از روح القدس برای انجام این وظیفه تاکید می‌شود؛ زیرا نجات در بخشیدن گناهان منحصر نیست، بلکه شامل پیگیری رسالت عیسی برای تغییر جهان طبق اراده نیز می‌شود. تایید به انسان برای تحمل و انجام مسوولیت در جامعه به گونه‌ای که شایسته یک مسیحی حقیقی است، نیرو می‌بخشد.

تایید را اسقف یا جانشین او عطا می‌کند و اساس آن مسح کردن داوطلب تایید با روغن است، همراه این عبارت: ((روح القدس را بپذیر، تا بتوانی به مسیح شهادت دهی.)) در کلیساهای مختلف ممکن است این عبارت اندکی تفاوت لفظی پیدا کند، ولی اصل معنا باقی می‌ماند.

اگر کسی که به کلیسا می‌پیوندد بالغ باشد، تعمیم و تایید را همزمان و به عنوان دو نیمه یک آیین می‌پذیرد. هرگاه وی در کودکی تعمیم یافته باشد، تایید تا زمان بلوغ، یعنی یک بین ۱۳ تا ۱۶ سالگی، به تاخیر می‌افتد. تبریخی کلیساهای پروتستان کودکان را تعمیم نمی‌دهند و می‌گویند قبل از تعمیم، شخص باید از روی آگاهی به پیروی از عیسی متعهد شده باشد.

## ۳- ازدواج مسیحی

مسیحیان ازدواج عبارت را یک امر نمی‌دانند؛ زیرا ازدواج نشانه محبت خدا به بشریت است. ازدواج عبارت از یکی شدن محبت دو شخص که با یکدیگر برای زندگی مشترک، همراه با امانت داری متقابل و همکاری، متعهد می‌شوند و برای تولید مثل و تربیت فرزندان و رشد آنان در فضای ایمان و محبت به خدا می‌کوشند. از این رو، مسیحیان ازدواج را همچون رمز و نشانه‌ای بشری برای شیوه رفتار خدا با انسان به شمار می‌آورند، همان خدای پاک که انسان‌ها را دوست دارد، به امور آنان اهتمام می‌ورزد و به وعده‌های خود به آنان پایبند است. مسیحیان هنگام ازدواج متعهد می‌شوند که یکی شدن مرد و زن را نشانه آشکاری برای محبت خدا به بشر و محبت مسیح با شاگردانش قرار دهند. به همین علت، مسیحیان ازدواج را التزام و تعهد در طول زندگی می‌شمارند و با طلاق و تجدید فراش در زمان حیات همسر مخالفند.

## ۴- دستگذاری، یا درجات مقدس روحانیت

با آیین دست‌گذاری، انسان خود را وقف خدمت به جامعه مسیحیت و در نتیجه، وقف خدمت به همه بشریت می‌کند. درجات اصلی روحانیت سه است:

**۱** اسقف: وی نماینده مسیح در قلمرو معینی است که قلمرو اسقف خوانده می‌شود و به نیابت از او تعلیم می‌دهد، رهبری مراسم عبادی را به عهده می‌گیرد و خدمت می‌کند.

**۲** کشیش: وی معاون اسقف است و به او در سه وظیفه یاد شده، در محدوده یک گروه، کمک می‌کند.

**۳** شماس: وی کلام خدا را تبلیغ می‌کند و به مساعدت بینوایان، سالخوردگان، بیماران و افراد در حال احتضار می‌پردازد.

سایر القاب کلیسایی، مانند پاپ، پاتریک، سراسقف، کاردینال، ارشمندریت، موسیو و غیره نشان‌دهنده وظائف معینی است و ربطی به آیین‌های هفتگانه ندارد.

## ۵- اعتراف

مسیحیان در آیین اعتراف از طریق توبه یا آشتی بخشایش الهی را دریافت می‌کنند؛ زیرا ایشان نیز، مانند مسلمانان و یهودیان، معتقدند که توبه موجب بخشایش الهی می‌شود. مسیحیان خداوند این مغفرت را که همواره در دسترس بشر است، از طریق کارهای نجات بخش عیسی در طول زندگی وی، برای همگان فراهم کرده است. از آنجا که گناه تنها بی‌حرمتی به خدا نیست، بلکه نتایج و پیامدهایی وضعی نیز در سطح جامعه دارد، مسیحیان نشانه بخشایش را در سطح جامعه کلیسایی دریافت می‌کنند. آیین توبه در طول تاریخ مسیحیت اشکال مختلفی به خود دیده است. در قرون نخست تاریخ کلیسا، توبه به صورت علنی انجام می‌گرفت. در قرون بعدی، اعتراف فردی به گناه پا گرفت و مرسوم شد.

## ۶- تدهین (مالیدن روغن مقدس به بیماران)

اگر گناه بیماری روح است و موجب سست شدن ارتباط انسان با خدا می‌شود، بیماری جسمی نیز مشکلی بشری است که حیات زمینی را تهدید می‌کند. در هر دو حال، مسیحیان برای شنیدن پیام رهایی بخش خدا آماده می‌شوند؛ زیرا معتقدند که خدا مسیح را برای عیادت بیماران، شفا دادن ایشان و آماده کردن آنان در لحظات جان دادن فرستاده است. آیین تدهین بیماران نشان دهنده وجود خدا و محبت اوست و به یاد می‌آورد که خدا انسان‌هایی را که به وسیله بیماری مورد امتحان قرار گرفته اند، فراموش نمی‌کند. به دیگر سخن، هدف از این آیین آن است که با احساس جانکاه تنهایی و بی‌کسی بیماران مقابله نماید، مخصوصاً در مواردی که جسم فرسوده شده و جان اندک اندک از تن می‌رود و مرگ فرا می‌رسد. مسح کردن بیماران با روغن مقدس مسلم می‌سازد که آنان تنها نیستند، بلکه مسیح با ایشان است و آنان را به سوی خدا رهنمون می‌شود. همچنین گروهی از برادران ایمانی با او هستند و برای او دعا می‌کنند.

## ۷- عشای ربانی

عشای ربانی در دید فرد مسیحی، تنها یکی از آیین‌های هفتگانه نیست، بلکه این عمل یکی از مسائل اساسی ایمان و شعائر عبادی مسیحیت است و در عین حال یادبود و بازسازی شام آخر عیسی با شاگردان در شب قبل از مرگ اوست. عیسی در آن عمل، نان و شراب را به عنوان گوشت و خون خود به شاگردان داد تا آنها را بخورند و بنوشند. مسیحیان هنگامی که در این مراسم شرکت می‌کنند، باور دارند که مسیح با جسم خود نزد آنان حاضر می‌شود. همچنین باور دارند همان طور که عهد خدا با قوم یهود توسط خون قربانی‌ها بر کوه سینا استوار گردید، به همان ترتیب، عهد جدیدی بین خدا و بشریت به وسیله خون عیسی مسیح محکم و استوار شد. هر یک از کلیساهای مسیحی در شعائر و آیین‌های برگزاری عشای ربانی ابتکاراتی پدید آورده است؛ ولی دو عنصر اساسی در همه مراسم ثابت است:

1 خواندن دو یا سه مقطع از کتاب مقدس؛

2 خوردن قربانی مقدس.

هنگام تبرک نان و شراب، پیشوای مراسم سخنان عیسی در شام آخر را تلاوت می‌کند. در کلیساهای کاتولیک و ارتدوکس جز اسقف یا جانشین او یعنی کشیش، کسی نمی‌تواند پیشوای مراسم باشد و علاوه بر خواندن کتاب مقدس و خوردن قربانی، همخوانی و دعای توسل و شکر، همراه با موعظه (که معمولاً بر محور مقاطع تلاوت شده و تطبیق دادن آن با زندگی روزمره مسیحیان دور می‌زند) و مصافحه نیز انجام می‌شود. بسیاری از پروتستان‌ها عشای ربانی را بسیار مهم می‌شمارند، به طوری که می‌گویند برای اجرای درست و کامل آن مراسم، باید کاملاً آماده شد و به همین دلیل، آن را تنها در برخی از مناسبت‌ها برگزار می‌کنند و بسیاری از ایشان سالی چهار بار یا ماهی یک بار مراسم عشای ربانی را برپا می‌کنند. ارتدوکس مراسم عشای ربانی را در روزهای یکشنبه و اعیاد برگزار می‌کنند، ولی کاتولیکا می‌گویند عشای ربانی قلب عبادات روزانه است و به همین دلیل، آن مراسم را هر روز برپا می‌دارند.

خلاصه متن بالا

هفت آیین مقدس مسیحیت

1 تمعید

که همان غسل است از پاکی و توبه اما خیلی دردناک است که طرف گناهکار رو جلوی همه توی کلیسا و کشیش و چند نفر شاهد لخت کنند بندازند تو آب مقدس بگند پاک شما خب چه دلیلی داره اصلاً اون شاهدان باشند که آبروش بره ؟

در اسلام شخص به تنهایی با آب پاک غسل می‌کند و نیازی به این خرافات نیست که آبروشم بره

ادامه

2 شام آخر

مسیحیون در هنگام غروب آفتاب پنجشنبه به یاد بود شام آخر عیسی برگزار می‌کنند. حدود ظهر جمعه مسیحیان خاطره مرگ عیسی بر طلیب را گرامی می‌دارند. بین غروب شنبه تا صبح یکشنبه به مناسبت رستاخیز عیسی و بازگشت بخ زندگی تازه جشن عید پاک برپا می‌کنند. مهمترین یاد بود هم عید پاک است. ۵ آیین دیگر کوتاه است می‌توانید خودتان بخوانید

( برای اینکه وقت گروه گرفته نشود موضوعات دیگر رو عرض می‌کنم )

سری دوم هفت آیین مقدس مسیحیت (۱)

هفت آیین مقدس هفت آیین مقدس: به عقیده مسیحیان، مسیح که از مردگان برخاست، در جامعه مسیحی زیست می‌کند و همراه آن است. همچنین وی پیوسته همان کارهایی را انجام می‌دهد که در طول حیات خود در فلسطین انجام میداد؛ مانند: تعلیم، دعا، خدمت، شفا دادن بیماران، غذا دادن به گرسنگان، عفو بدکاران و تحمل رنج و مرگ. کارهای غیر آشکار مسیح در زندگی کلیسایی به وسیله آیین‌ها آشکار می‌شود؛ به دیگر سخن، هنگامی که یک مسیحی در مراسم مربوط به یکی از آیینها شرکت می‌کند، ایمان دارد که با این عمل به ملاقات مسیح که از مرگ برخاسته و فیض خدای نجات بخش را به وی بخشیده است، میرود. تقریباً همه مسیحیان اتفاق نظر دارند که دو آیین اصلی عبارتند از تعمید و عشاء ربانی. مسیحیان کاتولیک و ارتدوکس پنج آیین دیگر بر اینها می‌افزایند و مجموع آیین‌ها را به هفت می‌رسانند. فرقه‌های پروتستان در تعداد آیین‌ها اختلاف دارند، ولی اکثریت قاطع آنان دو آیین اول یعنی تعمید و عشاء ربانی را قبول دارند. برخی کلیساهای پروتستان، مانند کویکرها و سپاه نجات هیچ یک از آیینها را نمی‌پذیرند. تعمید نخستین و اصلی‌ترین آیین که برای همه ضرورت دارد، تعمید است. انسان با تعمید به جامعه مسیحیت وارد می‌شود و رسالت دائمی کلیسا را بر عهده می‌گیرد. این رسالت عبارت است از گواهی دادن به کارهای نجات بخش خدا به وسیله عیسی. به عقیده هر مسیحی، تعمید وسیله‌ای است که خدا با آن همه آثار زندگی و مرگ عیسی را عطا می‌کند. هر مسیحی فقط یک بار، هنگام ورود به جامعه مسیحیت، تعمید می‌پذیرد. تعمید اصولاً با گونه‌ای از شستشو انجام می‌گیرد. در برخی کلیساهای رسم است که با ریختن آب بر سر شخص، وی را تعمید می‌دهند. در بعضی کلیساهای دیگر رسم است که شخص برای تعمید به زیر آب می‌رود و بیرون می‌آید. کلیساهایی نیز تعمید شونده را به آب‌های طبیعت، مانند نهرها و دریاچه‌ها، می‌برند. هنگام تعمید، کشیش این عبارت را که از آخر انجیل متی اقتباس شده است، می‌خواند: ((تو را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید می‌دهم.)) برخی کلیساهای پروتستان تنها به نام عیسی تعمید می‌دهند. عید پاک مهمترین جشن دینی مسیحیان است که به مناسبت پیروزی حضرت عیسی مسیح (ع) بر مرگ و برخاستن وی از مردگان، در سومین روز تسلیم وی نزد مسیحیان برگزار می‌شود. واژه فرانسوی ((پاک)) Paques همان کلمه عبری ((پسح)) است که از طریق یونانی و لاتینی به فرانسوی رفته و به مرور زمان به این شکل در آمده است. به گفته انجیل‌ها، به صلیب رفتن و رستاخیز حضرت عیسی (ع) در ایام عید فصح یهود بوده است. عید پاک نخستین یکشنبه پس از نخستین بدر شدن ماه پس از اعتدال ربیعی است و روی این حساب، وقوع آن از ۲ فروردین تا ۵ اردیبهشت (۲۲ مارس تا ۲۵ آوریل) امکان دارد. عید فصح یهود (یاد بود نجات بنی اسرائیل از دست فرعونیان) که در طی یک هفته از ۱۶ تا ۲۱ (و در خارج فلسطین تا ۲۲) نisan عبری برگزار می‌شود، در برخی از سال‌ها با عید پاک مسیحیان مصادف می‌شود. برخی از مراسم مسیحیان در عید پاک عبارت است از: شب زنده داری، تلاوت کتب مقدسه، مناجات و دعا، برگزاری مراسم عشاء ربانی، جستجوی نمایشی جسد عیسی (ع) و اعلام رستاخیز وی، جشن و چراغانی، اهدای تخم مرغ رنگین و... قبل و بعد از عید پاک نیز مراسم عبادی مفصلی دارند که برای آشنایی با گوشه‌ای از آنها باید در زمان مناسب به برخی کشورهای مسیحی مانند ایتالیا مسافرت کرد و از نزدیک آنها را دید؛ و گرنه که از این مراسم در کتابها داده می‌شود و حتی فیلمهای آن به شدت غلط انداز است. به هر حال مراسم عید پاک به مراتب از جشنهای کریسمس و اول ژانویه دینی تر است و جنبه عبادی بیشتری دارد و به ترتیب زیر انجام می‌شود:

۱. هنگام غروب پنجشنبه، یاد بود شام آخر عیسی برگزار می‌شود؛ ۲. حدود ظهر جمعه، مسیحیان خاطره مرگ عیسی بر صلیب را گرامی می‌دارند؛ ۳. بین غرب شنبه و صبح یکشنبه، به مناسب رستاخیز عیسی و بازگشت به زندگی تازه جشن عید پاک بر پا می‌شود. مهمترین این یادبودها جشن عید پاک است که قبلاً در غروب شنبه آغاز می‌شد و در شب ادامه می‌یافت و خاتمه آن هنگام سپیده دم یکشنبه بود که به گفته انجیل، زمان برخاستن مسیح از مردگان بوده است. این در عصر ما مختصر شده و فقط دو تا چهار ساعت طول می‌کشد. در این مراسم، تازه مسیحیان پیوستن خود به جامعه مسیحیت را اعلام می‌کنند و تعمید می‌گیرند. اعضای قدیمی نیز ایمان خود را، با تعهد به زندگی مسیحی راستین، تجدید می‌کنند.

۲- تایید (یا تثبیت ایمان) نیمه دوم از سلوک و پیشرفت در زندگی مسیحی تایید نامیده می‌شود، که آیین دوم از آیینهای هفتگانه است. در نیمه اول (یعنی تعمید) بر نجات از گناه تاکید می‌شود و طی آن، خدا با فرد گناهکار آشتی می‌کند و وی را به زندگی بر اساس ایمان و اطاعت فرا می‌خواند. ولی در نیمه دوم (یعنی تایید) بر جنبه مثبت ادای شهادت به آنچه خدا به وسیله‌ای عیسی برای بشریت محقق ساخته است و نیز بر کمک خواستن از روح القدس برای انجام این وظیفه تاکید می‌شود؛ زیرا نجات در بخشیدن گناهان منحصر نیست، بلکه شامل پیگیری رسالت عیسی برای تغییر جهان طبق اراده نیز می‌شود. تایید به انسان برای تحمل و انجام مسوولیت در جامعه به گونه‌ای که شایسته یک مسیحی حقیقی است، نیرو می‌بخشد. تایید را اسقف یا جانشین او عطا می‌کند و اساس آن مسح کردن داوطلب تایید با روغن است، همراه این عبارت: ((روح القدس را بپذیر، تا بتوانی به مسیح شهادت دهی.)) در کلیساهای مختلف ممکن است این عبارت اندکی تفاوت لفظی پیدا کند، ولی اصل معنا باقی می‌ماند. اگر کسی که به کلیسا می‌پیوندد بالغ باشد، تعمید و تایید را همزمان و به عنوان دو نیمه یک آیین می‌پذیرد. هرگاه وی در کودکی تعمید یافته باشد، تایید تا زمان بلوغ، یعنی یک بین ۱۳ تا ۱۶ سالگی، به تاخیر می‌افتد. تبریخی کلیساهای پروتستان کودکان را تعمید نمی‌دهند و می‌گویند قبل از تعمید، شخص باید از روی آگاهی به پیروی از عیسی متعهد شده باشد.

۳- ازدواج مسیحی: مسیحیان ازدواج عبارت را یک امر نمی‌دانند؛ زیرا ازدواج نشانه محبت خدا به بشریت است. ازدواج عبارت از یکی شدن محبت دو شخص که با یکدیگر برای زندگی مشترک، همراه با امانت داری متقابل و همکاری، متعهد می‌شوند و برای تولید مثل و تربیت فرزندان و رشد آنان در فضای ایمان و

محبت به خدا می‌کوشند. از این رو، مسیحیان ازدواج را همچون رمز و نشانه‌ای بشری برای شیوه رفتار خدا با انسان به شمار می‌آورند، همان خدای پاک که انسانها را دوست دارد، به امور آنان اهتمام می‌ورزد و به وعده‌های خود به آنان پایبند است. مسیحیان هنگام ازدواج متعهد می‌شوند که یکی شدن مرد و زن را نشانه آشکاری برای محبت خدا به بشر و محبت مسیح با شاگردانش قرار دهند. به همین علت، مسیحیان ازدواج را التزام و تعهد در طول زندگی می‌شمارند و با طلاق و تجدید فراش در زمان حیات همسر مخالفند. ۴. دست‌گذاری، یا درجات مقدس روحانیتاً آیین دست‌گذاری، انسان خود را وقف خدمت به جامعه مسیحیت و در نتیجه، وقف خدمت به همه بشریت می‌کند. درجات اصلی روحانیت سه است: ۱. اسقف: وی نماینده مسیح در قلمرو معینی است که قلمرو اسقف خوانده می‌شود و به نیابت از او تعلیم می‌دهد، رهبری مراسم عبادی را به عهده می‌گیرد و خدمت می‌کند. ۲. کشیش: وی معاون اسقف است و به او در سه وظیفه یاد شده، در محدوده یک گروه، کمک می‌کند. ۳. شماس: وی کلام خدا را تبلیغ می‌کند و به مساعدت بینوایان، سالخورده‌گان، بیماران و افراد در حال احتضار می‌پردازد. سایر القاب کلیسایی، مانند پاپ، پاتریک، سراسقف، کاردینال، ارشمندیت، موسیو و غیره نشان دهنده وظائف معینی است و ربطی به آیینهای هفتگانه ندارد. ۵- اعتراف مسیحیان در آیین اعتراف از طریق توبه یا آستی بخشایش الهی را دریافت می‌کنند؛ زیرا ایشان نیز، مانند مسلمانان و یهودیان، معتقدند که توبه موجب بخشایش الهی می‌شود. مسیحیان خداوند این مغفرت را که همواره در دسترس بشر است، از طریق کارهای نجات بخش عیسی در طول زندگی وی، برای همگان فراهم کرده است. از آنجا که گناه تنها بی‌حرمتی به خدا نیست، بلکه نتایج و پیامدهایی وضعی نیز در سطح جامعه دارد، مسیحیان نشانه بخشایش را در سطح جامعه کلیسایی دریافت می‌کنند. آیین توبه در طول تاریخ مسیحیت اشکال مختلفی به خود دیده است. در قرون نخست تاریخ کلیسا، توبه به صورت علنی انجام می‌گرفت. در قرون بعدی، اعتراف فردی به گناه پا گرفت و مرسوم شد. ۶- تدهین (مالیدن روغن مقدس به بیماران) اگر گناه بیماری روح است و موجب سست شدن ارتباط انسان با خدا می‌شود، بیماری جسمی نیز مشکلی بشری است که حیات زمینی را تهدید می‌کند. در هر دو حال، مسیحیان برای شنیدن پیام ربایی بخش خدا آماده می‌شوند؛ زیرا معتقدند که خدا مسیح را برای عیادت بیماران، شفا دادن ایشان و آماده کردن آنان در لحظات جان دادن فرستاده است. آیین تدهین بیماران نشان دهنده وجود خدا و محبت اوست و به یاد می‌آورد که خدا انسانهایی را که به وسیله بیماری مورد امتحان قرار گرفته اند، فراموش نمی‌کند. به دیگر سخن، هدف از این آیین آن است که با احساس جانکاه تنهایی و بی‌کسی بیماران مقابله نماید، مخصوصاً در مواردی که جسم فرسوده شده و جان اندک از تن می‌رود و مرگ فرا می‌رسد. مسح کردن بیماران با روغن مقدس مسلم می‌سازد که آنان تنها نیستند، بلکه مسیح با ایشان است و آنان را به سوی خدا رهنمون می‌شود. همچنین گروهی از برادران ایمانی با او هستند و برای او دعا می‌کنند. ۷- عشای ربانی‌عشای ربانی در دید فرد مسیحی، تنها یکی از آیینهای هفتگانه نیست، بلکه این عمل یکی از مسائل اساسی ایمان و شعائر عبادی مسیحیت است و در عین حال یادبود و بازسازی شام آخر عیسی با شاگردان در شب قبل از مرگ اوست. عیسی در آن عمل، نان و شراب را به عنوان گوشت و خون خود نزد آنان حاضر می‌شود. همچنین باور دارند همان طور که عهد خدا با قوم یهود توسط خون قربانیها بر کوه سینا استوار گردید، به همان ترتیب، عهد جدیدی بین خدا و بشریت به وسیله خون عیسی مسیح محکم و استوار شد. هر یک از کلیساهای مسیحی در شعائر و آیینهای برگزاری عشای ربانی ابتکاراتی پدید آورده است؛ ولی دو عنصر اساسی در همه مراسم ثابت است: ۱. خواندن دو یا سه مقطع از کتاب مقدس ۲: خوردن قربانی مقدس. هنگام تبرک نان و شراب، پیشوای مراسم سخنان عیسی در شام آخر را تلاوت می‌کند. در کلیساهای کاتولیک و ارتدوکس جز اسقف یا جانشین او یعنی کشیش، کسی نمی‌تواند پیشوای مراسم باشد و علاوه بر خواندن کتاب مقدس و خوردن قربانی، همخوانی و دعای توسل و شکر، همراه با موعظه (که معمولاً بر محور مقاطع تلاوت شده و تطبیق دادن آن با زندگی روزمره مسیحیان دور می‌زند) و مصافحه نیز انجام می‌شود. بسیاری از پروتستانها عشای ربانی را بسیار مهم می‌شمارند، به طوری که می‌گویند برای اجرای درست و کامل آن مراسم، باید کاملاً آماده شد و به همین دلیل، آن را تنها در برخی از مناسبتها برگزار می‌کنند و بسیاری از ایشان سالی چهار بار یا ماهی یک بار مراسم عشای ربانی را برپا می‌کنند. ارتدوکس مراسم عشای ربانی را در روزهای یکشنبه و اعیاد برگزار می‌کنند، ولی کاتولیکا می‌گویند عشای ربانی قلب عبادات روزانه است و به همین دلیل، آن مراسم را هر روز برپا می‌دارند.

اما نقدهای که بر مسیحیت داریم که چرا ما مسیحیت را نمی‌پذیریم حال آنکه حضرت عیسی علیه السلام رو قبول داریم و جزء پیامبران الهی است و نقش مهمی در آخرالزمان دارد و همه ما دوستش داریم ♥ و فکر کنم ما بیشتر قبولش داریم تا آقایون مسیحی مثل اینکه ما بیشتر پیامبر اسلام رو می‌شناسیم تا وهابیون.

### نقدهای کلی وارد بر دین مسیحیت

تعارض آموزه‌های انجیل

در میان مطالبی که انجیلها بیان می‌کنند، تناقض‌های فراوانی وجود دارد. سه انجیل همونوا (انجیل متی، انجیل مرقس و انجیل لوقا) تنها پنجاه و دو درصد مطالب آنها با هم منطبق است. و انجیل یوحنا به طور کلی با آن سه تا متفاوت و تنها هشت درصد مطالبش با آنها مطابقت دارد. مسیحیت در ابتدا وجود تناقض در کتاب مقدس خود را نمی‌پذیرفت. اولین بار در قرن هجدهم میلادی بود که آنها حاضر به اعتراف درباره وجود تناقض در کتاب خود شدند. بیان دیدگاه‌های معارض از سوی انجیل‌ها، سبب شده که صاحب نظران درباره اعتبار آنها به عنوان یک سند تاریخی معتبر به دیده شک و تردید بنگرند.

## دوگانگی نظام عقیدتی

هر دینی دارای یک نظام عقیدتی است. این نظام عقیدتی، باید با آموزه‌های کتاب مقدس آن دین هماهنگ باشد. مسیحیت فاقد یک نظام الهیات هماهنگ با مجموعه کتابهای مقدس است. در اینجا ما شاهد دو نظام عقیدتی هستیم که هر یک با بخشی از کتاب مقدس مطابقت دارد.

(الف) نظام الهیاتی که براساس الوهیت مسیح است. مؤسس این نظام، پولس است. رساله‌های پولس، انجیل یوحنا و رساله‌های او اساس آن را تشکیل می‌دهند. و درازل کلمه بود، کلمه با خدا بود و کلمه خود خدا بود... پس کلمه انسان شد و در میان ما ساکن گردید.

(ب) نظام الهیاتی که بر اساس بندگی مسیح است. مؤسس آن حواریون عیسی و در رأس آنها پطری می‌باشد، این گروه پس از سال ۷۰ میلادی اهمیت خود را از دست دادند. سه انجیل هم‌نوا، کتاب اعمال رسولان، رساله‌های یعقوب، پطری، یهودا و مکاشفه یوحنا اساس این نظام را تشکیل می‌دهند.

نقد الهیات الوهیتی

الهیات الوهیتی با آموزه‌های اصیل مسیح، مخالف است. این پولس حواری بود که چنین بدعتی را در دین مسیح ایجاد نمود. وی آنچنان تغییر و تحولی در مسیحیت ایجاد نمود که به عنوان مؤسس دوم این دین شناخته شده است. قائل شدن مقام الوهیت برای عیسی، با عقل نیز ناسازگار است. عقل آدمی نمی‌تواند بپذیرد که وجود نامحدودی، در جسم موجود محدودی حلول کند. اعتقاد به الوهیت، با آموزه‌های تمام ادیان مخالف است. تمام ادیان الهی بر بندگی و رسالت پیامبران از ناحیه خداوند، تأکید داشته‌اند.

## تثلیث (اقانیم سه گانه)

براساس اعتقادنامه شورای کلیسا که در سال ۳۲۵ م، در شهر نیقیه (در کنار تنگه بسفر) منعقد گردید، مسیحیان باید به سه اقنوم، اب، ابن و روح القدس معتقد باشند. «نظریه تثلیث حاکی از وجود یک خداوند در سه شخص می‌باشد».

نقد تثلیث

عقیده تثلیث، از ناحیه پولس وارد مسیحیت شده است، و بعدها شورای کلیسا آن را رسمیت بخشید. چنین عقیده‌ای نه تنها با آموزه‌های اصیل مسیحیت، بلکه با مبانی تمام ادیان آسمانی که اولین اصل مسلم خود را دعوت به توحید دانسته‌اند، کاملاً در تضاد است. خردستیزی تثلیث کاملاً آشکار است. زیرا یک چیز محال است در عین حال که یکی است، سه چیز باشد.

## اشرافیت کلیسا

پس از رسمیت یافتن مسیحیت در سال ۳۸۳ م. ۷ کلیسای روم به عنوان کلیسای اصلی که پایه گذار آن پطری حواری و معلم آن پولس بوده است؛ از اهمیت خاصی برخوردارند، به طوری که تشکیلات کلیسا، شباهت تامی به تشکیلات دولتی پیدا نمود. و از آن پس بود که کلیسا، سازمان، فلسفه و نظام حقوقی روم را به خدمت خود گرفت. و قرون وسطی شاهد ابعاد گسترده‌ای از فساد کلیسا در زمینه‌های مختلف بود.

نقد اشرافیت کلیسا

کلیسا بایستی به عنوان یک نهاد دینی، در خدمت بیان و تفسیر احکام الهی و سنگر محکمی در برابر انحرافات دینی و اخلاقی باشد. اشرافیت کلیسا، باعث دور شدن کلیسا از اهداف اولیه دین مسیح شده است. همین امر باعث شد که برخی راه نجات دین خود را در ترک جامعه و خزیدن به گوشه عزلت یافتند. و یکی از عوامل مهم ظهور پروتستان، همین استبداد کلیسا بود. تا آنجا که مارتین لوتر گفت: «مقصود از کلیسای حقیقی، هیچ گونه تشکیلات خاصی نیست، بلکه آن همان اتصال بین مؤمنان، تحت ریاست و رهبری عیسی است، و تنها قوه حاکم که میان عیسویان حاکم مطلق است همانا کتاب مقدس می‌باشد».

## رهبانیت مسیحی

پس از رسمیت یافتن دین مسیح از ناحیه امپراطور وقت روم، کنستانتین در سال ۳۸۳ م. براساس دستورات پولس، که مؤمنان عیسوی شایسته را کسانی می‌دانست که بدون همسر زندگی کنند، رهبانیت مسیحی بوجود آمد. نخستین کسی که روش رهبانیت را بنیاد نهاد، قدیس آنتونیوس از اهل مصر بود. راهبان در دیرها و صومعه‌هایی که غالباً در خارج از شهر قرار داشت به مراقبت و تفکر و ریاضت می‌پرداختند.

نقد رهبانیت مسیحی

رهبانیتی که در مسیحیت شکل گرفت، نتیجه دنیاگرایی کلیسا و مسیحیانی بود که پس از رسمیت یافتن دین مسیح اسما مسیحی بودند. این نهضت تحت تأثیر تعالیم گنوسیها و متکلمان اسکندری شکل گرفت که دنیای مادی را پلید و جسم و جسمانیات را ناپاک می‌دانستند. در حالی که براساس تعالیم کتب آسمانی دنیای مادی مزرعه فعالیت انسان برای برخوردار شدن از سعادت جاودانه است. و پلیدی در صورتی بوجود می‌آید که زندگی مادی در خدمت اجرای مقاصد شیطانی واقع شود. مطلب دیگر اینکه دین برای هدایت و مدیریت غرایز طبیعی انسان آمده است نه سرکوب آن. میل به زندگی اجتماعی یک نیاز طبیعی در وجود بشر است. و غالب تجربه‌ها چون به شکل انفرادی انجام می‌شود، ممکن است منجر به دیوانگی شود. و از آنجا که امور غیرطبیعی دوامی ندارند، در هر دوره‌ای زندگی رهبانی شکل متمایزی یافته است. تا آنجا که چنین تفکری در میان گروه‌هایی که پس از نهضت پروتستان بوجود آمده، چندان رایج نیست.





می‌دانست که بدون همسر زندگی کنند، رهبانیت مسیحی بوجود آمد. نخستین کسی که روش رهبانیت را بنیاد نهاد، قدیس آنتونیوس از اهل مصر بود. راهبان در دیرها و صومعه‌هایی که غالباً در خارج از شهر قرار داشت به مراقبت و تفکر و ریاضت می‌پرداختند. نقد رهبانیت مسیحی رهبانیتی که در مسیحیت شکل گرفت، نتیجه دنیاگرایی کلیسا و مسیحیانی بود که پس از رسمیت یافتن دین مسیح اسما مسیحی بودند. این نهضت تحت تأثیر تعالیم گنوسیها و متکلمان اسکندری شکل گرفت که دنیای مادی را پلید و جسم و جسمانیات را ناپاک می‌دانستند. در حالی که براساس تعالیم کتب آسمانی دنیای مادی مزرعه فعالیت انسان برای بر خورداری از سعادت جاودانه است. و پلیدی در صورتی بوجود می‌آید که زندگی مادی در خدمت اجرای مقاصد شیطانی واقع شود. مطلب دیگر اینکه دین برای هدایت و مدیریت غرایز طبیعی انسان آمده است نه سرکوب آن. میل به زندگی اجتماعی یک نیاز طبیعی در وجود بشر است. و غالب تجردها چون به شکل انفرادی انجام می‌شود، ممکن است منجر به دیوانگی شود. و از آنجا که امور غیرطبیعی دوامی ندارند، در هر دوره‌ای زندگی رهبانی شکل متمایزی یافته است. تا آنجا که چنین تفکری در میان گروه‌هایی که پس از نهضت پروتستان بوجود آمده، چندان رایج نیست. مسیحیت و عیسای مصلوب‌مسیحیت معتقد است به صلیب کشیده شدن عیسی، توان گناه همه بشریت است. گناهی که نسل اندر نسل از آدم به فرزندانش منتقل شده است. این بود که پولس رسول نوشت: «و چنانکه در آدم همه می‌میرند، در مسیح همه زنده خواهند شد». در بررسی نظریه فوق باید بدانیم که چنین اعتقادی را پولس رسول وارد مسیحیت کرده است. و در میان مسیحیت اولیه چنین عقیده‌ای وجود نداشته است. اینکه انسان دارای گناه ذاتی باشد با روح تعالیم ادیان آسمانی ناسازگار است. انبیاء الهی از گناه معصوم بوده و نسل بشر دارای زمینه پذیرش راه حق است. از عدالت خداوند دور است که گناه کسی را به حساب کس دیگری بگذارد. یا فردی را در مقابل گناه دیگری فدیة بگیرد انسان مصلوب شدن عیسی را به خاطر اشتباهی بود که در شناسایی مسیح واقعی رخ داد و عیسی به آسمان برده شد (قرآن، سوره نساء، آیه ۱۵۷ و ۱۵۸).

۱- تاریخ کلیسای قدیم، و. م. میلر، ترجمه علی نخستین، ص ۶۶، ص ۲۵۱۲- درباره مفهوم انجیلها، کری ولف، ترجمه محمد قاضی، ص ۱۷، ص ۲۵، ص ۳۸۳- مسیحیت و بدعتها، جوان ا. گریدی، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، ص ۴۳، ص ۱۱۱، ص ۱۳۳۴- تاریخ جامع ادیان، جان. بی. ناس، علی اصغر حکمت، ص ۶۱۳، ص ۶۳۷-۶۴۰، ص ۶۶۵-۶۷۰۵- جهان مذهبی، گروه نویسندگان، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، ص ۷۰۶، ص ۷۵۵۶- ادیان زنده جهان، رابرت ا. هیوم، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، ص ۳۶۷- تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۶ (اصلاح دین) ص ۳۰ - ۲۰

نقد کلی	۲- سفر خروج.
دوگانگی نظام عقیدتی	۳- سفر لاویان.
نقد الیهات الوهیتی	۴- سفر اعداد.
نقد تثلیث	۵- سفر تثنیه.
اشرافیت کلیساها و نقدش	به مجموع این پنج کتاب می‌گویند تورات.
رهبانیت مسیحی و نقدش	و اما مابقی کتب عهد عتیق.
مسیحیت و عیسای مصلوب	۶- صحیفه یوشع بن نون.
و اما کتب مسیحیون	۷- کتاب داوران.
بر عهد عتیق و جدید (ع)	۸- کتاب روت.
منابع	۹- کتاب اول سموئیل نبی.
ما در اینجا تنها و تنها از کتب معتبر در نزد مسیحیان خواهد بود، یعنی؛	۱۰- کتاب دوم سموئیل نبی.
۱-مجموع کتب عهد عتیق.	۱۱- کتاب اول پادشاهان.
۲-مجموع کتب عهد جدید.	۱۲- کتاب دوم پادشاهان.
مجموع کتب عهد عتیق را هم یهودیان قبول دارند و هم مسیحیان.	۱۳- کتاب اول تواریخ ایام.
ولی مجموع کتب عهد جدید را تنها مسیحیان قبول دارند و نه یهودیان.	۱۴- کتاب دوم تواریخ ایام.
ما فقط از منابع معتبر گفتیم	۱۵- کتاب عزرا.
مجموع کتب عهد عتیق و جدید	۱۶- کتاب نحیما.
مجموع کتب عهد عتیق را هم یهودیان و هم مسیحیان قبول دارند	۱۷- کتاب اِستِر.
اما مجموع کتب عهد جدید را تنها مسیحیان قبول دارند	۱۸- کتاب ایوب.
و اما فهرست کتب عهد عتیق؛	۱۹- کتاب مزامیر یا همان کتاب زبور داود.
۱- سِفَر پیدایش یا تکوین.	۲۰- کتاب امثال سلیمان.

- ۲۱- کتاب جامعه سلیمان.  
۲۲- کتاب غزل های سلیمان.  
۲۳- صحیفه اشعیاء نبی.  
۲۴- صحیفه ارمیاء نبی.  
۲۵- صحیفه مراثی ارمیاء نبی.  
۲۶- صحیفه حزقیال نبی.  
۲۷- صحیفه دانیال نبی.  
۲۸- صحیفه هوشع نبی.  
۲۹- صحیفه یوئیل.  
۳۰- صحیفه عاموس نبی.  
۳۱- صحیفه عوبدیاء نبی.  
۳۲- صحیفه یونس نبی.  
۳۳- صحیفه میکاه نبی.  
۳۴- صحیفه احوم نبی.  
۳۵- صحیفه حیقوق نبی.  
۳۶- صحیفه صغنیاء نبی.  
۳۷- صحیفه حجیء نبی.  
۳۸- صحیفه زکریاء نبی.  
۳۹- صحیفه ملاکی نبی.

فهرست مجموع کتب جدید

و اما به چه علت یهودی‌ها عهد عتیق را قبول دارند اما جدید را خیر و مسیحیون هر ۲ رو قبول دارند

عیسای مسیحیان درباره کتب انبیاء پیشین که در فهرست کتب عهد عتیق بعضی از آنها ذکر شد، خصوصاً تورات می‌گویند؛ گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم، نیامده ام تا باطل نمایم، بلکه تا تمام کنم / زیرا هر آینه بشما می‌گویم تا آسمان و زمین زایل نشود همزه یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد، تا همه واقع شود/ پس هر که یکی از این احکام کوچکترین را بشکنند و به مردم چنین تعلیم دهد در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود، اما هر که بعمل آورد و تعلیم نماید او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد.

(انجیل متی باب پنجم)

از این عبارت چند مطلب واضح می‌شود.

۱- اینکه مسیحیان موظف هستند تا به همه کتب انبیاء پیشین ایمان داشته باشند، پس هر مطلبی را از کتب انبیاء پیشین از آنهایی که در عهد عتیق است آوردیم، لازم است تا آنرا بپذیرند.

۲- حق شکستن کوچکترین احکام از آموزه‌های انبیاء پیشین را ندارند و اگر بشکنند در ملکوت کمترین خواهند بود.

۳- اما خود مسیح بزرگترین آموزه ی تورات را که یگانگی خدا بود شکست و به جای یک خدا، سه خدا را قرار داد، پس لازم است تا (نعوذ بالله) خود مسیح حقیرترین حقیران عالم در ملکوت آسمان‌ها باشد. مگر اینکه مسیحیان بپذیرند که اعتقاد به سه خدا دروغی بوده که به مسیح نسبت داده اند.

در تورات، سفر پیدایش، باب اول چنین آمده :

{پس خدا آدم را بصورت خود آفرید، او را به صورت خدا آفرید}.

در معارف مسیحیت خداوند از حیث‌های مختلفی شبیه مخلوق خودش آدم است، که به بعضی از آنها در ادامه اشاره خواهیم کرد، مانند؛ راه رفتن با دیگران، آواز خواندن، خرامیدن، نگران شدن، پشیمانی، محزون و غمگین شدن، تاسف خوردن از عمل خویش، بو کشیدن، کشتی گرفتن با دیگران و....

فهرست کتب عهد عتیق قابل قبول مسیحیون و یهودیان

و اما فهرست مجموع کتب عهد جدید؛

- ۱- انجیل متی.  
۲- انجیل مرقس.  
۳- انجیل لوقا.  
۴- انجیل یوحنا.  
۵- کتاب اعمال رسولان.  
۶- رساله پولس به رومیان.  
۷- رساله پولس به قرنتیان اول.  
۸- رساله پولس به قرنتیان دوم.  
۹- رساله پولس به غلاطیان.  
۱۰- رساله پولس به افسسیان.  
۱۱- رساله پولس به فیلیپیان.  
۱۲- رساله پولس به کولسیان.  
۱۳- رساله پولس به تسالونیکان.  
۱۴- رساله دوم پولس به تسالونیکان.  
۱۵- رساله اول پولس به تیموتاؤس اول.  
۱۶- رساله دوم پولس به تیموتاؤس دوم.  
۱۷- رساله پولس به تیطس.  
۱۸- رساله پولس به فلیمون.

در تورات سفر اعداد باب بیست و سوم چنین آمده است؛ {خدا انسان نیست که دروغ بگوید/ و از بنی آدم نیست که به اراده ی خود تغییر بدهد / آیا او سخنی گفته باشد و نکند ؟ / و یا چیزی فرموده باشد و استوار ننماید؟} ولی وعده‌ی خدای یهودیان و مسیحیان به حضرت آدم دروغ و خلاف از آب در آمد، چنانچه در تورات سفر پیدایش باب دوم می‌گوید:

{و خداوند آدم را امر فرمود گفت: از همه درختان باغ بی ممانعت بخور/ اما از درخت معرفت نیک و بد زنهار نخوری، زیرا روزی که از آن خوردی هر آینه خواهی مُرد }

پس طبق این متن خداوند به حضرت آدم وعده فرمود که اگر از درخت نیک و بد بخورد هر آینه خواهد مرد، لکن حضرت آدم از آن درخت خورد و نمرد، و وعده ی خدا دروغ از آب در آمد و خلف وعده شد.

از نظر مسیحیون باید انبیاء گذشته رو قبول داشته باشند مثل ما مسلمان ها اما ما چون کتبشون تحریف شده است کتبشون رو قبول نداریم وگرنه همه ادیان قابل احترام است کتب عهد عتیق شامل تورات هم میشه برای همین است که یهودی‌ها قبول دارند اما کتب عهد جدید از حواریون است و بیشتر بر ضد یهودیت و اما چرا مسیحیون کتب عهد عتیق را قبول دارند به این علت که در تورات ظهور عیسی مسیحی رو می‌گه

**والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته**